

سیف‌الدین اردلان



امان‌الله خان اردلان و

مسجد دارالاحسان



امان‌الله خان بزرگ
والی کردستان پسر
خسروخان اردلان است
که در سال ۱۱۸۰ هجری
متولد، و بسال ۱۲۴۰
هجری وفات نموده و
در ایوان نجف اشرف
مدفون میباشد. وی در
۱۲۱۴ هجری پس از
درگذشت والدش خسرو
خان بزرگ با مارت
کردستان رسیده و مدت
۲۶ سال با نهایت اقتدار
حکومت و فرمانروائی
کرده در مدت حکمرانی
چندین جنگ با عساکر



عثمانی ووالی بغداد نموده و همواره فاتح بوده تا سلیمانیه و شهرزور را نیز تصرف کرده است. گویند دریکی از جنگ‌ها که در نزدیکی دریاچه مریوان (دریاچه آریا مهر فعلی) رخ داده لشکر عثمانی سه برابر لشکر والی بوده. شب قبل از جنگ امان‌الله خان این بیت را فی‌البدیهه سروده است:

از جوشش و کثرت سپاهی تن نالان است و چهره گاهی
از خلق امید قطع باقی است الطاف خفیه الهی

اتفاقاً فردا لشکر کردستان فاتح شده و قشون عثمانی شکست می‌خورد. امان‌الله خان بزرگ علاوه بر پاسداری از مرزهای غربی کشور و انتظام و امنیت در داخل سرزمین کردستان نسبت به عمران و آبادی شهر سنندج و دهات اطراف نیز نهایت جدیت را مبذول داشته است.

قلعه حکومتی سنندج که در وسط شهر واقع است و مرکز حکمرانی ولات اردلان بوده و بر تمام شهر مسلط می‌باشد بتوسط ایشان چندین ساختمان بر ساختمانهای آن افزوده شده از جمله عمارت گلستان - تالار دلگشا و عمارت خسرو یه باغ فردوسی و ساختمان نگارستان که دارای تصاویر و نقاشی چند تن از ولات اردلان است و بر روی دیواریکی از اطاقهای آن گچ بری شده است. احداث باغ خسرو آباد در نزدیکی شهر سنندج و عمارت کلاه فرنگی و عمارت قلعه حسن آباد و ساختن قسمتی از بازار شهر سنندج و بازار و حمام و عمارت و قریه قسلان و آوردن آب با شتر گلوبوسیله برجهای منبع آب برای عمارت حکومتی از چند فرسخی شهر از جمله کارهای عمرانی و یادگار آن مرحوم بوده که متأسفانه در سنوات اخیر قلعه ارك حکومتی را با کلیه حیاط‌ها و ساختمانهای آن از بین برده‌اند و اثری از آن باقی نمانده و اگر امروزه باقی مانده بود برای جهانگردان از نقاط تماشائی و دیدنی کشور بشمار می‌آمد.

تنها ساختمانی که در حال حاضر از آن مرحوم باقی مانده مسجد دارا- لاحسان سنندج است که بنام مسجد جامع نیز نامیده میشود و جزو آثار باستانی شناخته شده است.

امان‌الله خان بزرگ برای ساختمانهای خود و مخصوصاً مسجد دار - الاحسان از اصفهان کاشی‌کار و معمار و بنا و حجار آورده است .

در سال ۱۲۳۵ هجری امان‌الله خان اردلان حسن جهان خانم ملقب به حاجیه والیه دختر فتحعلی شاه قاجار و خواهر بطنی نایب‌السلطنه عباس - میرزا را برای خسروخان پسر بزرگش خواستگاری نموده و جشن عروسی مفصلی در نهایت شکوه و جلال بمدت یکماه در تهران برگزار کرده . بنا به نوشته مرحومه مستوره در تاریخ اردلان و مردوخ دوپست هزار تومان آندوره که چند میلیون امروز میشود خرج مراسم آئین این عروسی شده است .

آوازه شوکت و اقتدار امان‌الله خان بزرگ بدرجه رسیده بود که محمد اکبر شاه گورگانی پادشاه هندوستان در سال ۱۲۳۵ هجری نامهای برای آن مرحوم نوشته و تقاضای کمک و یاری برای دفع ظلم و ستم کمپانی شرقی انگلیسی نموده . این نسامه مفصل است و در کتاب حدیقه امان‌اللهی چاپ دانشگاه تبریز کلا چاپ شده و محض نمونه مختصری از آن در اینجا آورده میشود :

(امیر الامراء عظیم العظماء المیز علی الاطلاق والوحدی فی الافاق الوالی
العالی والملك البازل والا میر الباسل ولرایه الولایته حامل ابفی الکفاءه ووالی
الولاء اعز نامدار کامکار امان‌الله خان والی والاشان عالی تبار سلمه‌اله بعد از
حمد وسپاس حضرت پروردگار و پس از نعت سید کائنات و رسول مختار وائمه
اطهار و اصحاب کبار هزاران تسلیمات زاکیات - بر پیروان هشت و چهار
(رضوان‌اله تعالی علیهم اجمعین) خاصه آن ولایت پناه رسانیده هرگاه از
احوال این دیار مخالف شعار کفر آثار استفساری کنند عشری از اعشار و
اندکی از بسیار بطریق اختصار کتابت اشعار و اظهار خدمت واقفان حضور دربار
خورشید اشتهار مبارزان بالله و حق سبیل‌اله مینماید که :

اهل کفر در این دیار دست تسلط و اختیار گشاده و ابواب شریعت غرارا
برباد داده این نیازمند بمصداق آیه شریفه ان الله مع الصابرين و بدلیل الصبر
مفتاح الفرج و بمفاد الامور مرهونا با وقاتها و مضمون صدق نمون سیجمل‌الله
بعد عسراً یسراً عمل نموده در مقام رضا تسلیم امر قضا شده طالب شخصی محرم

اسرار و راز عزت شعار بودم که در این ایام سعادت فرجام عالیجناب مستغنی -
 الالقاب قدومه الواصلین محقق الحقایق ومدقق الدقایق العالم المامل والعارف الکامل
 عارف ربانی عاشق سبهبانی زینت بخش دین مبین زینت افزای آئین سید المرسلین
 مولانا مرشدنا جناب الحاج ملا محمد افندی شریف الحسین الجبلی المدنی
 اسلامبولی وکیل عتبات بطریق سیاحت وارد هندوستان و بشناسائی عرق حمیت
 و شهامت و دینداری و فرط غیرت و صرامت و شمیرگزارای آن والسی ولات
 هادی ما ارادتمندان گردید.

بطوریکه در بالا یادآوری شده یکی از بناهای تاریخی مرحوم امان‌الله
 خان بزرگ که اکنون باقی مانده و جزو آثار باستانی میباشد مسجد دارا -
 لاحسان شهر سنندج است . این مسجد در نهایت زیبایی و استحکام بنا شده در
 دیوارهای آن کاشی کاری میباشد . شبستانی دارد خیلی بزرگ که بر
 بیست و چهار ستون سنگی بنا شده و دارای ۳۵ گنبد میباشد بعلاوه دو ایوان
 بزرگ عالی دارد یکی در سمت قبله روبه جنوب یکی هم در طرف مشرق تقریباً
 دو ثلث آیات قرآن مجید در کتیبه‌های دور مسجد و ایوان و اطراف ستونها
 بخط خیلی قشنگ نوشته شده . مرحوم میرزا محمد صادق اصفهانی متخلص
 به ناطق بنا به دعوت امان‌الله خان والی بکردستان آمده و قصیده غزائی که
 هر مصرع آن تاریخ انجام مسجد میباشد گفته که در سنگ مرمر ایوان روبه
 قبله بخط نستعلیق بسیار خوب نقر شده .

مرحوم میرزا فتح‌الله خرم کردستانی نیز قصیده شیوائی که مصرع اول
 هر یک از اشعار قصیده تاریخ شروع بنا و مصرع دوم تاریخ اتمام ساختمان
 میباشد ، حقیقتاً در فن شعر هنرنمایی کرده است . این اشعار نیز در روی
 سنگی در ایوان شرقی منقور شده . شیخ معروف کرد سلیمانیه از مشایخ مهم
 کردستان خاک عثمانی بوده و بعداً یکی از نواده‌هایش بنام محمود امیر کرد در
 عراق شهرت پیدا کرده و ساکن سلیمانیه بوده اند هفت شعر عربی در تعریف
 بنای مسجد دارالاحسان خود مرحوم امان‌الله خان والی گفته اند که آنهم
 در ایوان رو بچیبوب نقر شده .

حیاط مسجد ۱۲ حجره برای طلاب دارد و حوض مسجد نیز از ۸ قطعه سنگ بزرگ ساخته شده که تمام جوانب حوض را پوشیده است .

برای هزینه نگاهداری این مسجد امان‌الله خان بزرگ قریه خلیجیان را که در ۴ کیلومتری شهر واقع شده بانضمام یک قطعه باغ در داخل شهر و یکباب دباغخانه وقف آن نموده ، ضمناً بنا بوصیت آن مرحوم تولیت مسجد همیشه با ارشد و اقرب اولاد ذکور خواهد بود . اکنون تولیت مسجد دارا-لاحسان با جناب آقای حاج عزالممالک اردلان (امان‌الله خان) که بزرگ و رئیس خانواده اردلان هستند میباشد . انصافاً در این مدت با کوشش و سعی معظم له و همراهی و مساعدت وزارت فرهنگ و هنر برای تعمیر و مرمت آن مبالغی خرج شده و مانع از خرابی و از بین رفتن آن شده‌اند و ضمناً مسجد نامبرده دارای فرشهای بسیار زیبا و قدیمی و با ارزش میباشد .

اینک اشعاری چند از قصیده‌ی مرحوم محمد صادق اصفهانی متخلص به ناطق :

حبذا دارای جمگناه سلیمان جایگاه

آنکه شد ز الطاف او هر عالمی دارای علم

صاحب اکلیل جم فتجلی شه آنکه زو

دید اوج و رونق و قرب افسر والای علم

در مبارک عهد آن داراب اسکندر نوال

کز کلید لطف وی بگشوده شد درهای علم

زیسور دیباچه معنی امان الله خان

آنکه در کنز دول آمد در یکتای علم

زبده اولاد خسرو آنکه ز الطاف و کمال

میکند پیوسته اهل فهم را اقوای علم

آنکه طبعش در عطا آمد فرح افزای جان

آنکه رویش از صفا آمد جهان آرای علم

پایه دید از گوهر او مدرس آمین شرع

جلوه کرد از افسر او شرع بلند آوای علم

از پی او صاف او با هم بد ایوان فضا
 منشیان با جان و بادل میکنند انشای علم
 در سنج مسجدهی گم‌رید از سمیش بنا
 مسجدهی و مدرسی آن جای شکر آن جای علم
 مسجدهی با اصل تر از مسجد الاسلام حق
 مسجدهی با زیب تر از مسجد الاقصای علم
 عاقلان مدرک اندر حجرها در زهد و وجد
 جمله چون مجنون فکرت دایه لیلای علم
 جای ایمان جای عرفان جای حکمت جای عقل
 جای احسان جای فرقان جای طاعت جای علم
 دارالاحسانش مسمی شد که بنای ازل
 کسوتی ز احسان او آورد بر بالای علم
 با تکلف از پی سال بنا این چند بیت
 جلوه گر آمد بجوش از بحر گوهرزای علم
 بهر سال این بنا بستند یک در یک گواه
 این مصادر کامده از عین عقل و رای علم
 زد رقم ناطق بسال این بنا با فکر و عقل
 دارالاحسان شد بنا و شد بجای ماوای علم
 بساد دایم دارالاحسان امان‌الله خان
 جای حمد و جنای مدح و جای علم
 اینهم نمونه‌ای از قصیده مرحوم میرزا فتح‌اله خرم‌کردستانی
 منت ایزد را ز عدل والسی ایام شد
 این همایون سرزمین بسی به زفر دوس برین
 شاهباز اوج عز و جاه امان‌الله خان
 آنکه باشد فریزدانش طالع از جبین
 آنکه کرد از لطف و احسان زنده نام سروان
 آنکه داد از عقل و عرفان رونق دین مبین

در جهان نامی ز کفرودین نبود آندم که شد
 بلبازوی ارشاد او دین پیمبر رامعین
 یمن یزدان کشور او را بود محکم قلاع
 امن سبحان ملکوت او را بود حسن حصین
 کرد دامان گهر ریزش گه الطاف وجود
 جیب هر سال پسر از زیبا لسوای تمین
 ملک او کایمن آمد از انقلاب چرخ باد
 از صفا جوئی بود جنات پر از حور عین
 کرد از عون و عنایت‌های ربانی بنا
 مسجدی و مدرسی در این ملطف سرزمین
 حینا از این صفا جو مسجد والا اساس
 کز علو و زقدر باشد آسمانی بسر زمین
 هر زمان با صد ادا جوق ملک شام و سحر
 از برای طوف او آیند از عرش برین
 بهرا حسان چون بنام این مقام از عون حق
 دارا حسان نام کردش والی اعلا نگین
 هاتفی گفتا بسی سال آید بنیان او
 کعبه صدق است این یا مسجد الاقصای دین
 شد ز بهر سال بنیاد و پی اتمام آن
 هر یک از این مصرع دلکش گواهان گرین
 باد خرم از عطا و لطف یزدانی مدام
 بر علو همت و اعطاء والی آقا—رین
 تا بود از بهر تمجید و دولم یزل
 جرگه کر و بیان در مسجد گردون مکین
 دارا حسان امان‌الله خان بساد امدام
 مجمع طاعات و احسان منهج صدق و یقین